هُواللّه-ای ياران عبدالبهآء، مرا مقصد چنان بود که بهر…

عبدالبهاء

اصلی فارسی



# هُواللّه

ای ياران عبدالبهآء، مرا مقصد چنان بود که بهر يک از شما نامه مفصّل نگارم و باين نيّت مباشرت نمودم چون نامه‌ های چند نگاشتم بغتةً موانعی حاصل شد و کارهای لازم دست داد. لهذا مجبوراً نامه‌‌‌ ئی مجتمعاً بکلّ نگاشتم و عذر مقبول داشتم امّا مقصد ذکر يارانست و ياد دوستان چه جمعاً و چه منفرداً الحمدللّه عبدالبهآء هر يک از ياران را مونس و مهربانست و شب و روز بتضرّع و زاری طلب عون و ياری نمايد و موهبت و عنايت طلبد.

ای دوستان حقيقی، شمس حقيقت پرتو عنايتش بر سرهاست و آن پرتو بر سرها افسرها اصل نامه اينست و مضمون لوح محفوظ چنين و از اين فيوضات دلها خُلد برين و عالم جانها اوج علّيّين. پس ای ياران جهان خاک را فراموش کنيد و بعالم پاک توجّه نمائيد تا فيوضات جمال ابهی را مانند باران نيسان مشاهده کنيد که الحمدللّه مزرعه قلوب را سيراب نموده و گلهای حقائق و معانی روئيده اين فيض جليل اعظم دليل بر سنوحات رحمانيّه است و احساسات روحانيّه و انبعاثات وجدانيّه و صفات سبحانيّه و اعمال و افعال بموجب تعاليم الهيّه و عليکم التّحيّة و الثّنآء ع ع

